

اسطوره و واقعیت

فهرست

۱۳.....	ساختار اسطوره.....	فصل اول :
۱۶.....	ارزش «اساطیر ابتدایی».....	
۱۸.....	کوشش برای ارائه تعریفی از اسطوره.....	
۲۱.....	«داستان‌های واقعی» و «داستان‌های دروغین».....	
۲۳.....	اسطوره چه می‌گوید.....	
۲۷.....	«دانستن اسطوره‌ها» یعنی چه؟.....	
۳۲.....	ساختار و کارکرد اسطوره‌ها.....	
۳۷.....	قدرت جادویی و اعتبار «خاستگاه».....	فصل دوم :
۳۷.....	اساطیر خاستگاه یا منشأ اولیه و اساطیر کیهانزایی یا آفرینش گیتی.....	
۴۱.....	نقش اسطوره در شفابخشی.....	
۴۶.....	بازگویی کیهانزایی و آفرینش گیتی.....	
۵۳.....	بازگشت به مبادی آغازین.....	
۵۵.....	اعتبار و حیثیت «آغازها».....	
۵۹.....	اساطیر و آیین‌های نوزایی.....	فصل سوم :
۶۱.....	نوسازی جهان.....	
۶۷.....	تفاوت‌ها و شباهت‌ها.....	
۶۹.....	سال نو و کیهانزایی در شرق نزدیک باستان.....	
۷۱.....	کمال آغازها.....	
۷۵.....	آخرت‌شناسی و کیهانزایی.....	فصل چهارم :
۷۵.....	پایان جهان — در گذشته و در آینده.....	
۸۲.....	پایان جهان در ادیان مشرق‌زمین.....	

۸۷	مکاشفه آخرالزمانی یهودی - مسیحی	
۹۰	مسیحیان معتقد به هزاره حکومت مسیح	
۹۲	اعتقاد به هزاره‌ها و ظهور منجی در میان اقوام ابتدایی	
۹۵	«پایان جهان» در هنر نوین	
۹۹	می توان بر زبان غلبه کرد	فصل پنجم :
۹۹	قطعیت آغازی تازه	
۱۰۰	فروید و شناخت «منشأ پیدایش»	
۱۰۳	روش‌ها و راهکارهای سنتی برای «بازگشت»	
۱۰۹	شفا دادن خود و از بین بردن تأثیر گذر زمان	
۱۱۳	بازیافت گذشته‌ها	
۱۱۹	اسطوره‌شناسی، هستی‌شناسی، تاریخ	فصل ششم :
۱۱۹	مبنای اصلی قبل از هستی است	
۱۲۱	خدای بی‌اثر	
۱۲۷	خدای مقتول	
۱۳۳	هاینوله و دیما	
۱۳۷	هستی‌شناسی جایش را به تاریخ می‌دهد	
۱۴۱	آغاز فرایند «اسطوره زدایی»	
۱۴۵	اساطیر حافظه و فراموشی	فصل هفتم :
۱۴۵	وقتی یک مراض عاشق ملکه می‌شود	
۱۴۸	نمادپردازی هندی و فراموشی یادآوری	
۱۵۱	«فراموشی» و «یادآوری» در یونان باستان	
۱۵۵	حافظه «ازلی» و حافظه «تاریخی»	
۱۵۹	خواب و مرگ	
۱۶۶	مذهب گنوسی و فلسفه هندی	
۱۶۸	به یاد آوردن و تاریخ‌نگاری	
۱۷۳	عظمت و انحطاط اسطوره‌ها	فصل هشتم
۱۷۳	بازنگه‌داشتن جهان	
۱۷۷	انسان و جهان	
۱۷۹	تخیل خلاقیت	
۱۸۲	هومر	
۱۸۵	پیدایش خدایان و تبارشناسی	
۱۸۷	عقل‌گرایان و اسطوره	

۱۹۰	تمثیل‌انگاری و مکتب اوهمروس	
۱۹۳	اسناد مکتوب و سنت‌ها و روایات شفاهی	
۱۹۹	بقایا و پوشش‌های اساطیر	فصل نهم :
۱۹۹	مسیحیت و اسطوره‌شناسی	
۲۰۱	تاریخ و «معماها» یا «رازها» در انجیل‌ها	
۲۰۵	زمان تاریخی و زمان آیینی	
۲۰۸	مسیحیت کیهانی	
۲۱۲	اساطیر فرجام‌شناختی در قرون وسطا	
۲۱۸	بقایای اسطوره فرجام‌شناختی	
۲۲۱	اسطوره‌های جهان نوین	
۲۲۴	اساطیر و رسانه‌های همگانی	
۲۲۷	اسطوره‌های حواص و نخبگان جامعه	
۲۳۵	کتاب‌شناسی	
۲۳۹	نمایه	

فصل اول ساختار اسطوره‌ها

حداقل در پنجاه سال گذشته، محققان و دانشمندان غربی برای مطالعه اسطوره^۱ از دیدگاهی استفاده کرده‌اند که می‌توان گفت با دیدگاه رایج در قرن نوزدهم تفاوتی اساسی دارد. برعکس پیشینیان‌شان که اسطوره را به معنای رایج کلمه، یعنی به عنوان «قصه»^۲، «ابداعی»^۳ و «تخیلی»^۴ به کار می‌گرفتند، محققان جدید اسطوره را همان‌طور پذیرفته‌اند که در جوامع کهن درک می‌شد؛ در چنین جوامعی «اسطوره» یعنی «داستانی واقعی» و فراتر از آن، داستانی که گران‌بهاترین مایملک است زیرا مقدس، عبرت‌آمیز، سرمشقی نمونه و معنی‌دار است. این ارزش معناشناختی جدیدی که به واژه «اسطوره» داده شده، کاربرد آن را در زبان معاصر تا حدی مبهم و دوپهلوی ساخته است. یعنی امروزه واژه «اسطوره» هم به معنای «خیال» و «پندار باطل» یا «توهم» به کار می‌رود و هم به معنای «سنت و روایت مقدس، کشف و شهود ازلی یا آغازین، نمونه عبرت‌آمیز و شایان تقلید» که خصوصاً در میان قوم‌شناسان، جامعه‌شناسان و محققان تاریخ ادیان رواج دارد.

بعداً در همین کتاب (فصل‌های هشتم و نهم) به بررسی تاریخ معناهای گوناگون واژه «اسطوره» در عهد باستان و جهان مسیحیت می‌پردازیم. همه

1. mythi

2. fable

3. invention

4. fiction

می‌دانند که از زمان گزنوفانس^۱ (حوالی ۵۶۵-۴۷۰ ق.م) — اولین کسی که تعاریف و تعابیر «اساطیری» از الوهیت را که هومر^۲ و هسیود^۳ به کار گرفته بودند مورد انتقاد قرارداد و مردود دانست — به بعد، یونانیان دائماً به خالی کردن میتوس^۴ یا اسطوره از همه ارزش‌های دینی و فوق طبیعی ادامه دادند. میتوس هم در تقابل با لوگوس^۵ [کلمه، سخن منطقی] و هم بعدها در تقابل با هیستوریا^۶ [تاریخ، داستان واقعی]، سرانجام به معنای «آنچه نمی‌تواند وجود واقعی داشته باشد» به کار گرفته شد. در کنار آن، فرهنگ یهودی مسیحی هم بر هر آنچه که در کتاب مقدس («عهد عتیق» و «عهد جدید») توجیه یا تأیید نشده بود، مهر «دروغ» و «توهم باطل» کوبید.

اما این معنی «اسطوره» — که رایج‌ترین معنا در زبان معاصر است — در این کتاب مورد نظر ما نیست. به عبارت دقیق‌تر آن مرحله فکری یا آن زمان تاریخی که اسطوره به «وهم و خیال» تبدیل شد، مورد توجه ما نیست. تحقیق ما در درجه اول با آن جوامعی سروکار دارد که اسطوره هنوز در آن‌ها «زنده» است — یا تا همین اواخر بود — به این معنی که الگوهای نمونه‌ای برای رفتار انسان‌ها فراهم می‌آورد و دقیقاً به همین دلیل، به زندگی آن‌ها معنی و ارزش می‌بخشد. درک ساختار و کارکرد اسطوره‌ها در این جوامع سنتی نه تنها موجب روشن شدن یک دوره یا مرحله‌ای در تاریخ اندیشه بشری می‌گردد بلکه ضمناً به ما کمک می‌کند تا بتوانیم یک طبقه یا گروهی از مردم معاصر خود را هم بشناسیم و هم بهتر درک‌شان کنیم.

برای مثال می‌توان به «فرقه‌های باری»^۷ در اقیانوسیه اشاره کرد. توضیح علت و معنای این مجموعه از فعالیت‌های جداگانه، بدون ارجاع به توجیه آن‌ها توسط اسطوره‌ها، بسیار دشوار خواهد بود. این فرقه‌های پیشگویانه و

۱. Xenophanes، فیلسوف یونانی ماقبل سقراط. باگزنوفون سردار یونانی (بازگشت ده هزار نفر) اشتباه نشود. برای شرحی از عقاید او می‌توانید به داستان فلسفه نوشته بریانی مگی به ترجمه همین قلم (کتاب آمه، ۱۳۸۸) مراجعه کنید. — م.

2. Homer

3. Hesiod

4. mythos

5. logos

6. historia

7. cargo cults

هزاره‌ای [معتقد به ظهور منجی یا رستگاری در هر هزاره]، قریب‌الوقوع بودن یک عصر افسانه‌ای رونق و فراوانی و سعادت را اعلام می‌کنند. بومیان دوباره ارباب و صاحب جزایر محل سکونت خود خواهند شد و دیگر نیازی به کارکردن نخواهند داشت زیرا [ارواح] مردگان در کشتی‌های عظیم و باشکوهی پر از کالاهای و اجناس مورد نیاز مردم به جزایرشان بازمی‌گردند؛ درست مثل بارها و محموله‌های عظیمی که برای سفیدپوستان به بندرها و باراندازهایشان وارد می‌شود. به همین دلیل است که اغلب «فرقه‌های باری» (فرقه‌های محموله‌ای) در حالی که معتقدند همه حیوانات اهلی و ابزارآلات باید نابود شوند، از پیروان‌شان می‌خواهند که انبارهای بزرگی بسازند تا اجناس و کالاهایی را که توسط مردگان آورده می‌شود در آن‌ها نگهداری کنند. در یکی از این جنبش‌ها، ورود مسیح سوار بر یک کشتی باری بزرگ و پر از کالا پیشگویی می‌شود؛ یک جنبش دیگر در انتظار ورود «امریکا»ست. دوره جدیدی از زندگی در باغ فردوس یا بهشت موعود آغاز خواهد شد و اعضای آن فرقه به جاودانگی می‌رسند و بی‌مرگ می‌شوند. بعضی فرقه‌ها به رفتارهای بی‌بندوبار و شهوت‌رانی افسارگسیخته (اورجی) هم روی می‌آورند زیرا تابوها یا اعمال ممنوعه و رفتارهایی که طبق سنت تحریم و ممنوع شده است، علت وجودی خود را از دست داده و جای خود را به آزادی مطلق می‌دهد. اینک همه این اعمال و رفتارها و باورها طبق اسطوره نابودی جهان و در پی آن، آفرینشی جدید و برپایی عصر زرین قابل توضیح و توجیه‌پذیر است. (بعدها در همین کتاب این اسطوره را شرح می‌دهیم).

پدیده‌های مشابهی در کنگو در ۱۹۶۰، یعنی سالی که آن کشور به استقلال رسید، به وقوع پیوست. در بعضی از روستاها، ساکنان بومی سقف کلبه‌هایشان را شکافتند و برداشتند تا راه برای سکه‌های طلایی که قرار بود توسط نیاکان‌شان از آسمان بیارد، به داخل کلبه باز شود. در جاهای دیگر، همه‌چیز را به حال خود رها کردند تا خراب و ویران شود، غیر از جاده‌هایی که به گورستان منتهی می‌شد و نیاکان‌شان می‌توانستند از طریق آن جاده‌ها به روستای‌شان برسند. حتی افراط در عیش و نوش و شهوت‌رانی افسارگسیخته (اورجی) هم دلیل و معنایی داشت زیرا طبق آن اسطوره خاص، بعد از آغاز

عصر جدید، همه زن‌ها متعلق به همه مردها خواهند بود. به احتمال قریب به یقین، پدیده‌هایی از این دست به تدریج کم‌تر و نادرتر خواهد شد. می‌توان حدس زد که در نتیجه به استقلال سیاسی رسیدن این مستعمرات سابق «رفتارهای اساطیری» از بین می‌رود. اما آنچه قرار است در آینده‌ای کم و بیش دور رخ دهد نمی‌تواند کمکی به درک آنچه هم‌اکنون رخ داده است بکند. آنچه بیش‌تر مورد نیاز ماست، شناختن معنای این انواع عجیب از رفتارها و درک علت و نحوه توجیه آن‌ها برای این افراط و تفریط‌هاست. زیرا درک و فهم آن‌ها مستلزم مشاهده و شناختن‌شان به‌عنوان پدیده‌های بشری، پدیده‌های فرهنگی و ابداعات روح بشری است و نه ظهور بیمارگونه رفتارهای غریزی، توحش و ددمنشی یا صرفاً تفکر خام و کودکانه. هیچ راه چاره و حق انتخاب دیگری وجود ندارد. یا ما حداکثر تلاش‌مان را می‌کنیم تا این افراط و تفریط‌ها را نادیده بگیریم، به حداقل برسانیم، یا اصلاً فراموش‌شان کنیم و آن‌ها را نمونه‌های نادری از «وحشیگری» بدانیم که وقتی این قبایل متمدن شوند به کلی از میان خواهد رفت، یا تلاش لازم را به عمل می‌آوریم تا آن مقدمات و سوابق اساطیری را درک کنیم که چنین افراط و تفریط‌هایی را توضیح می‌دهد و توجیه می‌کند و به آن‌ها ارزشی دینی می‌بخشد. این رویکرد دومی از نظر ما تنها رویکردی است که ارزش تأمل و بررسی را هم دارد. فقط از دیدگاهی تاریخی-مذهبی است که این رفتارها و انواع مشابه‌شان می‌تواند به‌عنوان همان چیزی که هست — پدیده‌های فرهنگی — مشاهده شود و خصلت رفتار کودکانه نابهنجار یا غریزه افسارگسیخته را از دست می‌دهد.

ارزش «اساطیر ابتدایی»

همه ادیان بزرگ آسیایی و [ناحیه] مدیترانه دارای مجموعه‌ای از اساطیر یا علم‌الاساطیر هستند. اما بهتر است مطالعه اسطوره را از مبدأ یا نقطه شروعی مثل اساطیر یونانی یا مصری یا هندی آغاز نکنیم. اغلب اسطوره‌های یونانی را هسیود و هومر یا شاعران حماسی و چکامه‌سرایان و اسطوره‌نویسان بازنویسی و روایت کرده‌اند و بنابراین مورد جرح و تعدیل و اصلاحات قرار گرفته و سازمان‌دهی و منظم شده‌اند. سنت‌ها و روایات اساطیری شرق نزدیک و هند را